

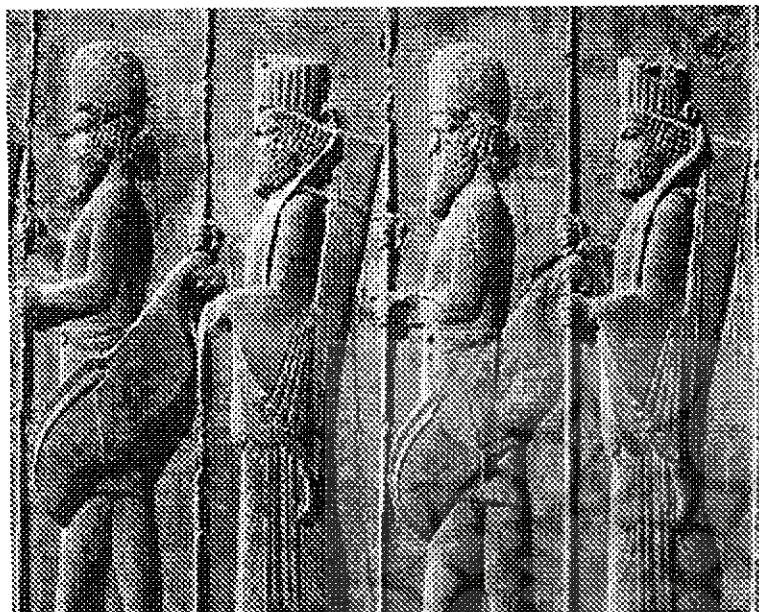
# تاریخ فرهنگ ایران زمین

## خاستگاه سامانیان

بحث پایانی

پژوهش‌گر: حشمت‌الله عزیزی

(فوق لیسانس تاریخ)



در تاریخ بخارا نام بیش از پانزده ده و یا شهر آباد ذکر شده است که بعضی از آنها چون **بیکند** از نظر رفاه و آبادانی در حد بخارا بوده‌اند. مؤلف تاریخ بخارا در مورد اهمیت **بیکند** می‌نویسد: «و اگر کسی (از اهل بیکند) به بغداد رفته است و او را پرسیده‌اند که از کجایی گفته است که از بیکند نگفته است از بخارا...»<sup>۱۵</sup>

**شهرهایی چون سمرقند** در بعضی از امور عملی از مردم زمان خود مرفی‌تر بوده‌اند. سمرقند به خاطر شبکه و لوله‌های توزیع آب زبان‌زد بود. اکثر روستاها و شهرها دارای رودخانه یا در مسیر رودخانه بوده‌اند. نرسخی نام یازده رودخانه را در بخارا و نواحی اطراف آن شمرده است که این از یک زندگی پویا و زنده مبتنی بر کشاورزی حکایت دارد. طبقه‌ی مهم دیگر **دیوانیان و دبیران** بودند. طبقه‌ی دبیر کم و بیش موقعیت سابق خود را در عهد اسلام نیز حفظ کرد. دلیل این موضوع آن بود که اعراب، پس از ورود به این سرزمین از خدمات آنها در امور مربوط به خراج و جزیه و سایر محاسبات دیوانی برخوردار می‌شدند و آنها با استفاده از فنون دیوانی خاصی که در آن تخصص داشتند به انجام این امور مبادرت می‌ورزیدند. چنان‌که در خراسان در دوره **فصر بن سيار** طریقه‌ی نگارش محاسبات دیوانی از پهلوی به عربی تغییر یافت.<sup>۱۶</sup> در هر حال طبقه‌ی دبیر یا دیوانیان در دوره سامانیان نیز جایگاهی ویژه داشت و بزرگانی از این خاندان‌های قدیمی چون

سال (۳۵۱ هـ.ق) مغضوب دربار سامانیان گشته و به غزنه گریخت و در عمل امارت مستقلی را در آنجا تاسیس کرد.<sup>۱۷</sup> و جانشین وی سبکتکین بود که موفق به تشکیل سلسله‌ی غزنوی شد. (۳۶۷ هـ.ق)

اما پس از این طبقات ممتاز باید از بدنه‌ی اصلی اجتماع یعنی **رعایا** که شامل **کشاورزان**، **صنعت‌گران**، **کارگران** و **پیشه‌وران** بود، یاد کرد. براساس مطالب موجود در منابع جغرافیایی تا اواسط دوران سامانیان اوضاع کشاورزی و بازرگانی مطلوب بود. در نتیجه وضع توده‌های مردم تا حدی خوب بوده است. بدون تردید دریافت عادلانه‌ی مالیات نیز در بهبود وضع معیشت مردم تاثیر به سزایی داشته است. اما از زمان امیر نوح بن نصر سامانی به دلیل غلبه‌ی سپاهیان بر امور حکومتی، دولت سامانی مجبور شد مالیات‌ها را به میزان دو برابر سابق افزایش دهد و مسلم است که این

خاندان‌های بلعمی، جیحانی و عتبی به خدمت سامانیان درآمدند و به اقداماتی دست بازیدند که در حفظ و تقویت هویت قومی و فرهنگی ایرانیان بسیار ارزنده بود. طبقه‌ی دبیران به همراه طبقه‌ی روحانیون که در خدمت حکومت بودند در ردیف طبقات ممتاز محسوب می‌شدند.

از جمله طبقات دیگر که در فرارود و خراسان به ویژه در عهد سامانیان جایگاهی قابل توجه داشت، طبقه‌ی نظامیان بود. این طبقه که حول محور عنصر ترک نژاد ایجاد گردیده بود، در زمانی که وضع اقتصادی سامانیان مطلوب و دولت مقتدر سامانی قادر به پرداخت مخارج سپاه بود، در محدوده وظایف خویش از حکومت و دولت تبعیت می‌کردند. اما پس از رکود اقتصادی و ضرورت اعطای اقطاعات به بلند پایگان نظامی اغلب ترک‌نژاد، آنان نیز به عنوان طبقه‌ای شاخص مطرح شدند. البتکین از سرداران غلامان ترک بود که در



موضوع موجب نارضایتی عمومی بود.

در اواخر حکومت سامانیان وضع اسفناکی حکم فرما شد. به علت عدم لیاقت حاکمان وضعف دولت مرکزی از یک سو و ساختن عمارت‌های مجلل و کاخ توسط امرای سامانی با پولی که به عنوان مالیات و خراج به زور از مردم دریافت می‌کردند از سوی دیگر و هم‌چنین ساختن مدارس و مساجد فراوان به حساب مردم، فقر و تنگ‌دستی عمومی افزایش یافت و استیصال عمومی شکل گرفت. این‌ها باعث قیام عادی دهقانی علیه فشار غیر قابل تحمل بزرگ مالکان گردید و توطئه‌ها و تحریک‌ها و کشتارهای مقام‌های مملکتی و درباریان مزید بر علت شد. در زمان اسماعیل سامانی شورش بزرگ که به گفته‌ی نرشخی به وسیله‌ی یکی از راه‌زنان که چهار هزار نفر از مردم سرگردان، گرسنه و اوباش را گرد خود جمع کرده بود به وقوع پیوست که تا اندازه‌ای برای بخارا نیز تهدیدآمیز بود. یا در دوره

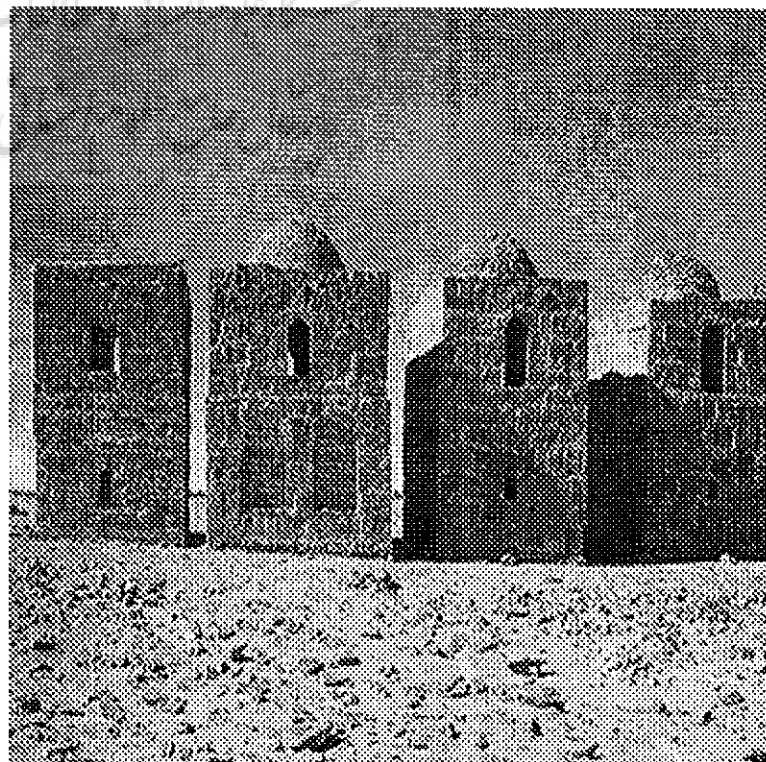
نصر دوم سامانی هم قیام‌هایی صورت گرفت که مردم عادی در آن شرکت داشتند. به هر حال سامانیان قادر به رفع تضاد شدید طبقاتی بین طبقه‌ی حاکمه استعمارگر و توده‌های زحمت‌کش نبودند و برای کنترل توده‌ها که از آن‌ها جدا افتاده بودند از نیروی تازه به دوران رسیده ترکان که به اسارت گرفته می‌شدند استفاده می‌کردند. همان نیروهای ترکی که امروز در کنار سامانیان و در مقابل توده‌ها می‌جنگیدند و دشمنان حکومتی را تار و مار می‌کردند، وقتی به قدرت می‌رسیدند به عنوان رقیب سرسخت امرای سامانی وارد میدان می‌شدند.

سامانیان نیز مانند ظاهریان و صفاریان با توجه به اصالت قومی و نژادی و تاریخ و فرهنگ غنی ایران، خود را یک سرو گردن از عرب‌ها بالاتر می‌دانستند. لذا دوره حکومت‌های متقارن را می‌توان دوره «مطلق‌العنانی روشن‌فکری»<sup>۱۸</sup> دانست که مجاهدت زیادی به خرج داده شد تا صلح تأمین گردد و نیز در این دوره

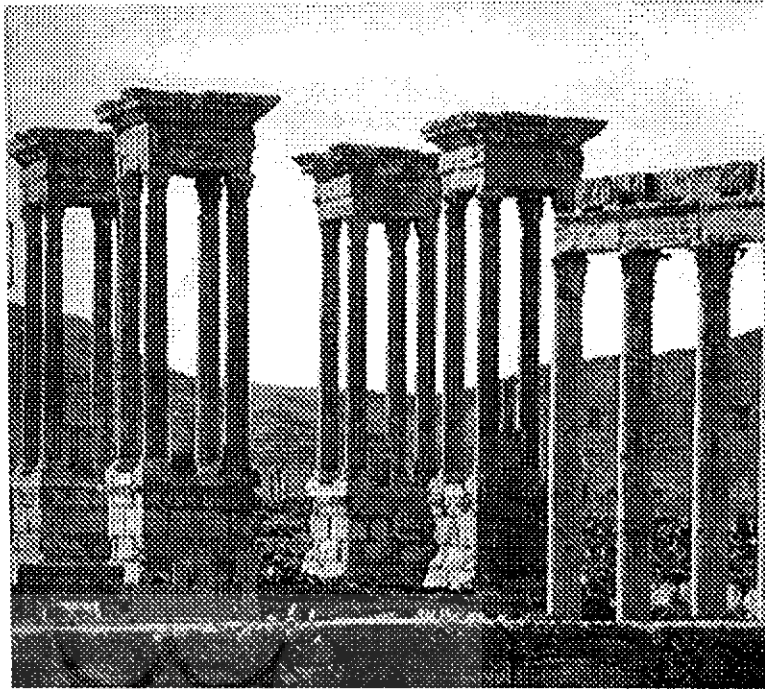
بود که طبقات پایین جامعه تا حدی از دست تجاوز و تخطی طبقات بالا درامان بودند. خلاصه سامانیان بسیار کوشیدند آموزش و پرورش را همه‌گانی کرده و بین مردم رایج کنند، لیکن باید توجه داشت که اصلاحات و رفرورم‌های شدید اجتماعی کاری نبود که بتوان در مدتی کوتاه و به آسانی به آن دست یافت.

### عدالت اجتماعی در دوره سامانیان

**سخن گفتن** از مقوله‌ی عدالت اجتماعی در دوره سامانیان و یا در حکومت‌های گذشته به علت در اختیار نبودن منابع کافی، کاری بس دشوار و مشکل می‌نماید. و از آن‌جا که در حکومت‌های گذشته نمادها و سیستم‌های مدنی وجود نداشته تا از عملکرد آن‌ها به چه‌گونگی اجرای عدالت اجتماعی پی برد، ناچار باید به منش و سلوک امرا و حکام پرداخت که عمل آن‌ها می‌توانست معیار عدالت اجتماعی باشد. یا برعکس. در این دوره نیز در منابع بیش‌تر به منش و شیوه عدالت‌پروری امرای سامانی به ویژه اسماعیل سامانی اشاره شده است. اگر چه اسماعیل هم سرداری لایق بود و هم امیری قدرتمند، اما بیش‌تر منابع دادگری او را ستوده‌اند، تا جنگاوری و لشکرکشی‌های او را. و حکایت‌های متعددی از شیوه عدالت‌پروری اسماعیل سامانی و برخورد او با رقیبا ذکر کرده‌اند، که قابل تأمل است. **ابن خلدون** در مورد امیر اسماعیل می‌نویسد: «اسماعیل مردی نیکوکار بود و اهل علم و دین را گرامی می‌دانست».<sup>۱۹</sup> **خواجه نظام الملک** نیز در سیاست‌نامه می‌گوید که اسماعیل را عادت بر آن بود که هر روزه تحت هر شرایطی (چه گرم یا سرد) سوار بر اسب شده و به وسط



زمان مقام قضاوت می‌باشد، نگاهی به اسامی اشخاصی که در تاریخ بخارا نام آن‌ها به عنوان قاضی در شهر بخارا برده شده است به خوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه امرای سامانی به این مسئله اهمیت می‌دادند. قاضیان افرادی چون **سیبویه** بودند که در مورد آن در تاریخ بخارا آمده است: «... محمد بن اعین گفت: از عبدالله مبارک شنیدم که **سیبویه** قضاوت بخارا کرد و به دو درم جور نکرد. باز گفت: دو درم بسیار باشد به ذره جور نکرد...» و یا افرادی چون **حسین بن عثمان همدانی** که در زمان خود از نظر علم و زهد یگانه زمان بوده است. و چون **سعید بن خلق**



**البلخی** که آب بخارا را که سال‌ها مورد مناقشه بود به انصاف تقسیم کرد. و یا **ابوالفضل بن محمد بن احمد المروزی** که فقیه و عالم زمانه بوده که بعدها به پست وزارت نیز رسیده است و به قول نرشخی<sup>۱۹</sup> این جمله که ما یاد کردیم از آنهاست که بقول پیغمبر (ص) فرمود که علما امنی کانیاء بنی اسرائیل<sup>۲۰</sup>.

**مورخین** ذکر کرده‌اند که امیر اسماعیل سامانی حتی در لشکرکشی‌ها و جنگ‌های خود تعدادی از قاضیان با عدل را همراه خود می‌برده، علاوه بر این که در مراکز شهرها دیوان‌خانه و داوران مخصوص گماشته بود. در واقع اسماعیل سامانی با درک صحیح اموال اجتماعی در حوزه قلمرو خویش با مردم‌داری و احترام به خردمندان جامعه موفق شد از اعتباری ویژه در میان مردم برخوردار گردد. و سیره نظری و عملی او برای دولت‌مردان دوره‌های بعد نمونه‌ی کمال مطلوب پادشاهی جلوه کند.<sup>۲۱</sup>

**در مورد** جانشینان وی نیز از جمله احمد بن اسماعیل، نرشخی می‌نویسد: «او به سیرت پدر خویش می‌رفت و

مرتبه کرده دوستان و یاران خود را جاه و جلال و رفعت بدهیم تا نسبت به ما بر سپاس و اخلاص خود بیفزایند و نباید از مرتبه‌ی آنان بکاهیم.»<sup>۲۲</sup> و یا نقل کرده‌اند که بعد از شکست عمر ولایت صفاری زمانی که عمرو خزاین خویش را به اسماعیل عرضه داشت وی قبول نکرده و در جواب می‌گوید: (... قبیله‌ی شما روی گران بودند بخت یک روزه شما را مساعدت کرد و شما قدر نعمت ندانسته بتاراج اموال مسلمین پرداخته این عمل شنیع موجب زوال نعمت شد و به همان نوع که برخاسته بودید بر زمین خوردید. اگر من دست بدان مال حرام بی‌الایم مظلومه‌ای که حال در گردن شماست در گردن من خواهد افتاد.»<sup>۲۳</sup> به همین علت بی دلیل نبود که معاصرین اسماعیل او را به لقب «**امیر عادل**» ملقب ساخته‌اند. مسئله‌ی عدالت اجتماعی بدون نظارت و دادخواهی ممکن نیست. در دوره سامانی سیستم اداری چنان منسجم بود که افسران و کارمندان نمی‌توانستند به آسانی از طریق نامشروع سوء استفاده کنند.<sup>۲۴</sup> و از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین پست‌ها در جوامع در هر

میدان شهر می‌رفت و این کار همیشه‌گی او بوده است. وقتی که از او علت این کار را سوال می‌کنند در جواب می‌گوید: این شیوه بهترین راه دست‌یابی مستقیم رعیت به او جهت دادخواهی و تظلم بدون هیچ ترس و واهمه است.<sup>۲۵</sup> از ویژگی‌های مهم دیگر اسماعیل رفتار جوان‌مردانه او با دوستان و دشمنان خود در اوج قدرت است. رفتار او با نصر برادرش در اوایل قدرت یافتن اسماعیل که پس از شکست، وی را به حکومت سمرقند فرستاده و تا زمانی که او زنده است خود را تابع او می‌داند یکی از آن موارد نمونه است.<sup>۲۶</sup> و یا رفتارش با پسر محمد بن زید علوی (زید بن محمد) که پس از شکست او در طبرستان زید را به بخارا آورده و برای او مقرری و مسکن معین کرده قابل ذکرند.<sup>۲۷</sup>

**امیر اسماعیل** مردی خردمند و دادگر و نیک رفتار و بردبار و نسبت به رعیت مهربان بود. با دوستان و یاران خود به نحوی که قبل از امارت مکاتبه و خطاب می‌کرد رفتار می‌نمود. به او گفتند، چرا چنین کنی؟ گفت: بر ما واجب است که چون خداوند ما را سرفراز و بلند





ترکان، ج ۲، تهران، نشر نقره، ۱۳۷۶، ص ۵۸۴.

۱۲- نرشخی، ص ۱۱۲.

۱۳- بارتولد، و.و، ترکستان نامه (ترکستان در عهد مغول) ترجمه ی کریم کشاورز، جلد ۱ چاپ ۲، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶، صص ۵۰۰-۵۰۳.

۱۴- پیگولوسکایا، تاریخ ایران، ص ۲۵۹.

۱۵- نرشخی، ص ۲۱.

۱۶- فرای، ریچارد.ن، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه ی محمود محمودی، چاپ ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۳۹.

۱۷- پیگولوسکایا، تاریخ ایران، ص ۲۵۹.

۱۸- بارتولد، ترکستان نامه، ص ۶۵.

۱۹- ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر (تاریخ ابن خلدون) ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، موسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۸.

۲۰- سیاست نامه، ص ۱۰.

۲۱- ترکستان نامه، ص ۴۸۲؛ بخارا دستاورد قرون وسطی، ص ۶۵.

۲۲- طبری، ج ۱۵، صص ۶۷۰-۶۷۰۸.

۲۳- ابن اثیر، ج ۱۳، ص ۷۲.

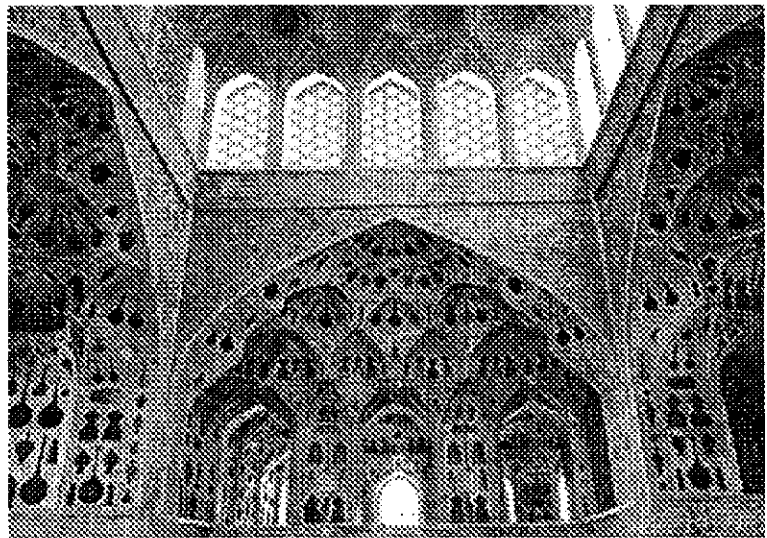
۲۴- سرجان ملکم، تاریخ ایران، ترجمه ی میرزا محمد شیرازی، تهران، سعدی، بی تا، ص ۹۵.

۲۵- بارتولد، تاریخ سیاسی اجتماعی آسیای مرکزی تا قرن دوازده، ترجمه محمد زمی، بکوشش اسدالله حبیب، تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۱۵.

۲۶- نرشخی، صص ۴-۲.

۲۷- نظام الملک طوسی، ابوعلی حسن بن علی، سیاست نامه (سیرالملوک)، تصحیح عباس اقبال، تهران، اساطیر، ۱۳۷۲، صص ۲۱-۱۰.

۲۸- نرشخی، ص ۱۰۲.



چاپ ۲، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۴ ص ۶۴۴۶.

۴- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر؛ تاریخ بخارا، ترجمه ی ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبای؛ تلخیص محمد بن زمر بن عمر، تصحیح مدرس رضوی، چاپ ۲، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۳، ص ۱۰۹-۱۰۶.

۵- همان، صص ۱۲۷، ۹-۸.

۶- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، بکوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات فروغی، بی تا، ص ۸۸.

۷- گریزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، زین الاخبار (تاریخ گردیزی)، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، صص ۳۲۲-۳۲۱.

۸- پیگولوسکایا، ن و دیگران؛ تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه ی کریم کشاورز، چاپ پنجم، تهران، پیام، ۱۳۶۳، ص ۲۵۹.

۹- گردیزی، ص ۱۵۰.

۱۰- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (۲)، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷.

۱۱- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان. ترجمه ی محمد

عمل می کرد و انصاف رعیت را به تمامی داده و رعایا در راحت و آسایش بودند.<sup>۲۸</sup>

به هر حال می توان گفت که با توجه به تمام مشکلات و تضادهای موجود در جامعه، سامانیان در نیمه ی اول حکومت خود به طور نسبی موفق به اجرای عدالت اجتماعی شدند.

## پایان

### پی نوشت ها و منابع:

۱- سامان خداده لقبی است مانند بخارا خداه و جنان خداه که کلمه ختای (خدای) در زبان پهلوی به معنی شاه (فرمانروا) است. (نک، فروزانی، ابوالقاسم، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، سمت، تهران، ۱۳۸۱، ص ۴۹)

۲- ابن الاثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، تصحیح محمد یوسف الهقاق، ج ۱۲، چاپ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق ۱۹۸۷، م، ص ۱۳۳.

۳- طبری، محمد بن جریر: تاریخ طبرسی (تاریخ الرسل و الملوک)؛ ترجمه ی ابوالقاسم پاینده، ج ۱۵،